



## اقبال مورخان به اقبال

• دکتر عباس قدیمی قیداری  
استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز

■ اقبال و تاریخ‌نگاری، درباره عباس اقبال آشتیانی  
■ مؤلف: حسن شایگان  
■ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۳

و تاریخ‌نگاری مورخان سنتی و نوگرایی ایران است. کتاب اقبال و تاریخ‌نگاری در هفت فصل و دو پیوست تدوین یافته است. چهار فصل اول، دوم، ششم و هفتم کتاب به بررسی احوال، اندیشه‌ها و مناسبات علمی و دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری اقبال از خلال آثار و مقاله‌های او و نیز شکل‌گیری و سرانجام مجله یادگار و به‌ویژه دیدگاه‌های او درباره تاریخ مغول در یک مطالعه تطبیقی با نظریات مغول‌شناسان ایرانی و خارجی اختصاص یافته است. پیوست‌ها نیز شامل اشعار اقبال و فهرست تألیفات و آثار اوست. اشعار اقبال توسط استاد محمد گلبن و فهرست تألیفات و آثار اقبال نیز توسط استاد ایرج افشار تدوین یافته است. فصل سوم حاوی دیدگاه‌های نویسنده در باب تعاریف تاریخ‌نگاری، «فلسفه تاریخ و تاریخ‌نگاری علمی، تحلیلی و توصیفی است. فصل چهارم تحت عنوان «تواریخ پیشینه» دیدگاه‌های تعدادی از معروف‌ترین و برجسته‌ترین مورخان ایرانی از شکل‌گیری تاریخ‌نگاری ایران پس از اسلام تا پایان عصر ناصری در باب تاریخ و فواید و کارکردهای آن و تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری و تکوین تاریخ‌نگاری جدید و ظهور مورخان نوگرایی پس از مشروطیت تا دهه‌های اخیر را ضمن بحث از دیدگاه‌ها و آثار آنان به بررسی و تحلیل نشسته است. پیرنیا، غنی، اقبال، تقی‌زاده، کسروی، نفیسی، صفا و غلامحسین صدیقی، از مورخان جدید ایران هستند که به آثار و اندیشه‌های آنان توجه شده و تکوین تاریخ‌نگاری جدید و ظهور مورخان نوگرا پس از انقلاب مشروطیت تا دهه‌های اخیر، در ضمن بحث از دیدگاه‌ها و آثار آنان مورد توجه قرار گرفته است. با این معرفی اجمالی، مشخص می‌شود که برخلاف عنوان

با وجود تحقیق‌های ارزنده‌ای که در حوزه مطالعه‌های تاریخ‌نگاری وجود دارد، مطالعات مربوط به این حوزه چندان مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار نگرفته است. بررسی تاریخ‌نگاری ایرانیان عرصه وسیع و بکری است که هم می‌توان به شیوه کلی به آن پرداخت و هم می‌توان درباره تک‌تک مورخان ایرانی به‌ویژه مورخان برجسته به تحقیق و مطالعه دست زد و از رهگذر سیر تداوم و تحول اندیشه و تفکر تاریخی و دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری مورخان ایرانی، موانع و دشواری‌های تاریخ‌نویسی ایرانی را به‌دست داد؛ همچنین از طریق رهیافت‌های نوین مانند «تحلیل و محتوا» و نظریاتی مانند نظریه «کنش گفتاری» می‌توان از متون تاریخ‌نگاری و نوشته‌های مورخان، یافته‌های جدیدی بیرون کشید و پرده از چگونگی و واقعیت عبارت‌ها و کلمه‌ها برداشت و به آنها روشنی بخشید. توجه به این نکته‌ها از آن جهت حائز اهمیت است، که علاوه بر آنچه گفته شد، به شناخت چیزی به نام فلسفه تاریخ ایران نیز کمک خواهد کرد؛ نکته دیگر اینکه امروزه مشاهده می‌شود برخی محققان با اتکاء به برداشت‌های کلی از تاریخ‌نگاری ایرانیان که خود محصول بررسی معدودی از متون است، درصدد تحلیل آن با مفاهیم جدید تاریخ‌نگاری غربی برآمده‌اند؛ در حالی که قبل از آن، بایستی دست‌کم متون برجسته تاریخ‌نگاری ایرانی به‌طور عمیق مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

کتاب ارزشمند استاد حسن شایگان تحت عنوان «اقبال و تاریخ‌نگاری» در سال‌های اخیر در اختیار علاقه‌مندان و خوانندگان مطالعات تاریخ قرار گرفته است. این کتاب در برگزیده احوال و افکار و اندیشه‌های شادروان عباس اقبال و دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری او و همچنین حاوی ملاحظاتی کلی از تاریخ‌نگاری

اصلی کتاب، موضوع مطالعه تنها بررسی آثار و دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری دانشمند فقید عباس اقبال نیست و می‌توان آن را ملاحظاتی درباره تاریخ‌نگاری، فلسفه تاریخ و سیر تاریخ‌نگاری در ایران دانست که سعی دارد سیر تاریخ‌نگاری در ایران را روشن سازد. آنچه در ذیل می‌آید تأملاتی است درباره فصول سوم، چهارم و پنجم این کتاب.

۱- نویسنده به درستی بر اهمیت شناخت تاریخ اقتصادی و کاربست آن در تحلیل تاریخ ایران و نیز به کارگیری دیدگاه‌های چپ، فارغ از ایدئولوژی خاص آن در تحلیل تاریخ تأکید کرده است.<sup>۱</sup>

۲- نویسنده به درستی بر نقش انقلاب مشروطه در تحول تاریخ‌نگاری اشاره دارد،<sup>۲</sup> و به همین نیز اکتفا می‌کند؛ در حالی که زمینه تحول تاریخ‌نگاری به دوران قبل از مشروطیت برمی‌گردد و در واقع آشنایی ایرانیان با تمدن غرب جدید، در صدر قاجار و به‌ویژه دوره ناصری شکل گرفت که آشنایی با تاریخ‌نگاری جدید نیز تابعی از آن بود و در کنار عوامل دیگر، زمینه و بستن تحول تاریخ‌نگاری ایرانیان را فراهم آورد.<sup>۳</sup> این نکته را باید به یاد داشت که تاریخ ایران قبل از انقلاب مشروطیت، تاریخ تغییرات سیاسی بوده است، تغییرات سیاسی الزاماً تحولات اجتماعی را به دنبال ندارد. تغییر مرادف با تحول نیست. تحول دگرگونی رو به رشد و ترقی را نشان می‌دهد.

۳- تاریخ‌نگاری دوره قاجار به مانند سایر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی برکنار از کشاکش‌های کهنه و نو نبود و از حیث رویارویی استمرار و دگرگونی (تداوم و تحول) در تاریخ تاریخ‌نگاری ایران دوره بی‌نظیری است. کتاب «اقبال و تاریخ‌نگاری» با وجود اشاره به مقوله تحول، گذرا و شتابان از آن عبور کرده و از تاریخ‌نگاری قاجار به اجمال بحث کرده است و تمام واقعیت‌ها تاریخ‌نگاری قاجار را در بر نمی‌گیرد؛ حتی ممکن است خواننده را به بیراهه بکشاند. در بحث از تاریخ‌نگاری قاجار، به مورخان معروفی چون هدایت، سپهر، فسایی، اعتمادالسلطنه، میرزا آقا خان کرمانی و غلامحسین افضل‌الملک اشاره شده و از چهار نفر آخر به عنوان مورخان شاخص و استثناء نام برده شده است.<sup>۴</sup> نویسنده علاوه بر ارزیابی اجمالی و بسیار ناقص کار مورخان فوق در دوره انتقالی سه ضلع برای تاریخ‌نویسی قاجار قائل شده است. ضلع اول سپهر، ضلع دوم اعتمادالسلطنه و ضلع سوم میرزا آقاخان کرمانی.<sup>۵</sup> خواننده آگاه می‌داند که این اضلاع تاریخ‌نویسی تعلق دارند، اما مخاطب ناآشنا به مطالعات تاریخی نمی‌تواند چنین برداشتی حاصل کند. علاوه بر این نمی‌توان سپهر و حتی هدایت را با وجود اینکه گاهی اندیشه‌های برجسته و تحلیلی را بروز داده‌اند، مربوط به دوران انتقالی تاریخ‌نگاری ایران دانست.<sup>۶</sup> آنان فقط آخرین نمایندگان برجسته تاریخ‌نویسی سنتی هستند.

۴- به نظر می‌رسد درباره میرزا حسن فسایی و فارسنامه

## تاریخ‌نگاری دوره قاجار به مانند سایر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی برکنار از کشاکش‌های کهنه و نو نبود و از حیث رویارویی استمرار و دگرگونی (تداوم و تحول) در تاریخ تاریخ‌نگاری ایران دوره بی‌نظیری است

ناصری او، قدری اغراق صورت گرفته است. درست است که فسایی در نگارش فارسنامه از منابع گوناگون و نیز پاره‌ای تحقیقات جدید و میدانی سود جسته است،<sup>۷</sup> اما کار او در نهایت از یک تاریخ‌نویسی روایی فراتر نمی‌رود و فاقد دیدگاه‌های نوین در عرصه تاریخ‌نگاری، تحلیل، اندیشه و تفکر تاریخی است. از این حیث، نزهه‌الخبار میرزا محمدجعفر خورموجی و تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نادر میرزا در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرند که نویسنده به آنها اشاره‌ای نکرده است.

۵- «رساله مجدی» مجدالملک سینکی به عنوان یک اثر تاریخ‌نویسی استثناء در تاریخ‌نویسی قاجار مطرح شده است.<sup>۸</sup> مسائل سیاسی و اجتماعی عصر قاجار که تعدادشان هم زیاد است و برخی از آنها به ضرورت زمانه انتقادی نیز هستند، در زمره آثار تاریخ‌نویسی قرار نمی‌گیرند؛ هرچند در پاره‌ای از آنها دیدگاه‌های انتقادی تاریخ‌نگاری نیز دیده می‌شود. اساساً ماهیت، انگیزه شکل‌گیری و محتوای این گونه رسائل با ماهیت و محتوای تاریخ‌نویسی متفاوت است.<sup>۹</sup>

۶- بحث نویسنده درباره اعتمادالسلطنه و جایگاه او در تاریخ‌نویسی قاجار محل تأمل است.<sup>۱۰</sup> در بحث از «تفکر تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه» خواننده انتظار دارد ذیل این عنوان با اندیشه و تفکر تاریخی و تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه آشنا شود، در حالی که این گونه نیست و عنوان با آنچه که در ذیل آن طرح شده سختی چندان ندارد.<sup>۱۱</sup> نویسنده اعتمادالسلطنه را «روشنفکر حقیقت‌گوی عصر ناصری» دانسته است. درباره صفت روشنفکر بحثی نیست، هر کسی می‌تواند از دیدگاه خود آن را تعریف کند. اما حقیقت‌گویی اعتمادالسلطنه برای آگاهان از تاریخ‌نگاری قاجار و شخصیت اعتمادالسلطنه قابل پذیرش نیست و مصادیق متعددی می‌توان در رد حقیقت‌گویی او مطرح ساخت. اعتمادالسلطنه مورخ بزرگی بود و در تحول تاریخ‌نگاری ایرانی نقش به‌سزایی دارد. در تاریخ‌نویسی وی قاجار دو چهره رسمی، دولتی در تاریخ منتظم ناصری، المآثر و مرات‌البلدان و

\*\*\*

کتاب اقبال و تاریخ‌نگاری، چنانچه اشاره شد فقط به آثار، آراء و دیدگاه‌های عباس اقبال منحصر نمی‌شود، بلکه ملاحظاتی کلی و ارزشمند از سیر و روند تحول و تطور تاریخ‌نگاری در ایران نیز به‌دست می‌دهد. این کتاب، علاوه بر این که اندیشه تاریخی و تاریخ‌نگاری مورخان بزرگ ایران را به‌دست می‌دهد، مباحث نظری در تاریخ‌نگاری نقلی، توصیفی، تحلیلی و علمی و ... را نیز شامل می‌شود و ارزش مباحث در این است که به دور از واژه‌های فلسفی، مجرد و انتزاعی صورت گرفته و خواننده به راحتی با آن تعاریف و مباحث ارتباط برقرار می‌سازد. کتاب اقبال و تاریخ‌نگاری کتابی ارزشمند در حوزه مطالعات تاریخ‌نگاری ایرانی است که خواننده از آن بهره‌ها می‌تواند ببرد. افزون بر این، مجموعه‌ای کامل است درباره عباس اقبال و کتاب‌ها و مقالات او که خواننده را تا حدی از مراجعه به منابع و مآخذ دیگر بی‌نیاز می‌سازد.

#### پی‌نوشت:

۱. همان؛ ص ۱۰۱، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۰۲.
۲. همان؛ ص ۱۳۹.
۳. برای آشنایی با برخی از عوامل تحول تاریخ‌نگاری ایرانیان رک آدمیک، فریدون؛ «انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران»؛ سخن، ۱۷، ش ۱، فروردین ۱۳۴۶.
۴. شایگان؛ همان؛ ص ۱۰۳، ۱۴۷، ۱۳۱.
۵. همان؛ ص ۱۳۱، ۱۳۲.
۶. نگارنده در پی تکمیل و بازبینی پژوهشی است که در آن به تاریخ‌نویسی ایرانیان و تداوم و تحول فن تاریخ‌نویسی در ایران پرداخته است.
۷. شایگان؛ همان؛ ص ۳-۱۰۲، ۱۳۱.
۸. فسایی؛ میرزا حسن حسینی؛ فارسنامه ناصری؛ به تصحیح منصور رستگار فسایی؛ ۲ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۹. شایگان؛ همان، ص ۱۰۳.
۱۰. برخی از این رسائل با این مشخصات چاپ شده‌اند: آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، آگاه، ۱۳۵۶؛ رسائل سیاسی عصر قاجار، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ و نیز رساله‌هایی مانند دستورالاعقاب و شیخ و شوخ....
۱۱. شایگان، همان، ص ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۳۲.
۱۲. همان؛ ص ۱۳۲.
۱۳. همان؛ ص ۱۵۴.
۱۴. همان؛ ص ۱۴۷.
۱۵. همان؛ ص ۱۱۹.
۱۶. همان؛ ص ۱۶۵.
۱۷. همان؛ ص ۱۳۷.

## کتاب اقبال و تاریخ‌نگاری، چنانچه اشاره شد فقط به آثار، آراء و دیدگاه‌های عباس اقبال منحصر نمی‌شود، بلکه ملاحظاتی کلی و ارزشمند از سیر و روند تحول و تطور تاریخ‌نگاری در ایران نیز به‌دست می‌دهد

.... تجلی یافته و چهره علمی و غیررسمی او در تاریخ اشکانیان و روزنامه خاطرات و تا حدی خلسه بازتاب یافته است. با وجود آثار علمی و بعضاً انتقادی باز نمی‌توان او را آغازگر تاریخ‌نگاری علمی ایران دانست به‌گونه‌ای که نویسنده آورده است.<sup>۱۲</sup> البته نویسنده چند صفحه بعد، این عنوان را به میرزا آقاخان کرمانی داده است.<sup>۱۳</sup>

۷- درباره افضل التواریخ چنین آمده است: «قبل از آئینه اسکندری و بعد از رساله مجدییه شاید بتوان گفت اولین تاریخ خالی از دروغ و تملق افضل التواریخ است که در دوره مظفری نگاشته شده.»<sup>۱۴</sup> افضل التواریخ را غلامحسین خان افضل‌الملک در اواخر سال ۱۳۱۳ ق. و در اوایل ۱۳۱۴ق به رشته تحریر کشید و این چند سال بعد از نگارش تاریخ سکندری میرزا آقاخان کرمانی بود. این تاریخ نمی‌تواند بر حسب ماهیت خود، که تاریخی رسمی و دولتی است، خالی از دروغ و تملق باشد. هر چند نویسنده سعی دارد خود را از دروغ و تملق دور بدارد و طریق حقیقت‌جویی پیشه سازد.

۸- استاد شایگان دو دشواری عمده برای تاریخ‌نگاران سنتی ایران بر شمرده است، اول ایدئولوژی و دوم متدولوژی<sup>۱۵</sup> تعریفی که از متدولوژی مورخان ایرانی آمده در واقع همان ایدئولوژی آنهاست. زیرا متدولوژی به مجموعه فنون و روش‌ها اطلاق می‌شود که به وسیله آن می‌توان پژوهشی را انجام داد؛ دیگر آنکه دشواری‌های تاریخ‌نویسی در ایران فقط منحصر به ایدئولوژی و متدولوژی نیست؛ بلکه دشواری‌های معرفتی، سیاسی و اجتماعی را نیز می‌توان به آن اضافه کرد.

۹- از تاریخ در ترازی دکتز زرین کوب، به عنوان تاریخ‌نگاری که جنبه توصیفی بر آن غلبه دارد، یاد شده است.<sup>۱۶</sup> در صورتی که تاریخ در ترازی کتابی است در حوزه روش تاریخ‌نگاری، اصول و مبانی تاریخ و تاریخ‌نگاری و فلسفه تاریخ.

۱۰- در یک جا نام اعتمادالسلطنه، که به نظر می‌رسد اشتباه چاپی باشد، مخبرالسلطنه آمده است.<sup>۱۷</sup>